



Analysis of Violations of International Humanitarian Law in the Twelve-Day Iran–Israel Armed Conflict

Hiva Mohammadpour

Master of International Law, University of Qom, Qom, Iran.

Corresponding Author Email: baraninews2013@gmail.com

Abstract

The twelve-day war between Iran and Israel in the summer of 1404 (2025) was accompanied by extensive human casualties, rendering an examination of compliance with the rules of International Humanitarian Law (IHL) in this conflict both necessary and timely. The aim of this study is to assess the opposing party's adherence to the fundamental principles of IHL—namely the principles of distinction, proportionality, and precaution—and to analyze the potential legal consequences arising from violations of these principles. This research adopts a descriptive-analytical methodology. Its sources include international treaties (the Geneva Conventions and their Additional Protocols, as well as the Rome Statute), reports issued by international organizations (including the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights and the International Atomic Energy Agency), and international judicial practice (notably the jurisprudence of the International Court of Justice and the International Criminal Court).

Based on the available evidence, the findings of the study indicate that some of the attacks under examination satisfy the preliminary legal thresholds required to advance claims of violations of the principles of distinction and proportionality. By clarifying the legal criteria for establishing such violations and applying them to selected case studies, this article seeks to avoid any presumption as to the outcome and to provide an analytical framework for a coherent assessment of compliance with IHL rules in contemporary armed conflicts. The results of this research may serve as a basis for further discussion on issues of State responsibility and individual criminal responsibility in such conflicts.

Keywords: International Humanitarian Law; Principle of Distinction; Principle of Proportionality; Principle of Precaution; War Crimes; International Responsibility of States; Twelve-Day Iran–Israel War



تحلیل نقض قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه در جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل*

هیوا محمدپور

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: baraninews2013@gmail.com

چکیده

جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل در تابستان ۱۴۰۴ با خسارات گسترده انسانی همراه بود و بررسی میزان رعایت مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این درگیری ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، ارزیابی پای بندی طرف مقابل به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه شامل اصل تمایز، تناسب و احتیاط و تحلیل پیامدهای احتمالی نقض این اصول است. روش مطالعه توصیفی-تحلیلی است و منابع تحقیق شامل معاهدات بین‌المللی (کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، اساسنامه رم)، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (کمیساریای عالی حقوق بشر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) و رویه قضایی بین‌المللی (دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی) است. یافته‌های پژوهش، بر اساس شواهد در دسترس، نشان می‌دهد که برخی از حملات مورد بررسی واجد معیارهای اولیه لازم برای طرح ادعای نقض اصول تمایز و تناسب هستند. این مقاله با تبیین معیارهای حقوقی احراز نقض و اعمال آن‌ها بر مصادیق منتخب، می‌کوشد از پیش‌فرض‌گیری نتیجه‌پرهیز کرده و چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی منسجم رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات معاصر ارائه دهد. نتایج پژوهش می‌تواند مبنایی برای بحث درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری فردی در چنین مخاصماتی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل تمایز، اصل تناسب، اصل احتیاط، جنایت جنگی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل

مقدمه

در خرداد و تیر ۱۴۰۴، مخاصمه مسلحانه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل رخ داد که به طور عمومی به «جنگ دوازده‌روزه» شناخته شد. این درگیری با حملات هوایی و موشکی گسترده به اهداف متنوعی از جمله زیرساخت‌های نظامی، تأسیسات هسته‌ای، اماکن مسکونی و تأسیسات حیاتی مدنی همراه بود. گزارش‌های مؤسسات بین‌المللی مانند دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگرانی‌هایی جدی درباره تلفات غیرنظامیان، آسیب به اماکن درمانی و مخاطرات زیست محیطی ناشی از حمله به تأسیسات هسته‌ای مطرح کرده‌اند. این وضعیت، سوالات بنیادینی را در زمینه رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی طرف‌های درگیر مطرح می‌سازد.

هدف این مقاله تمرکز بر بررسی حقوقی نقض‌های احتمالی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جریان جنگ دوازده‌روزه است. پرسش محوری پژوهش عبارت است از: «آیا عملیات نظامی اجرا شده در این مخاصمه با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله اصل تمایز، اصل تناسب و تکالیف احتیاط سازگار بوده است؟» به موازات بررسی این پرسش، مقاله پیامدهای حقوقی احتمالی نقض‌ها را در سطح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری افراد (از جمله مسئولیت فرماندهی) تبیین می‌کند (ICRC, 2005/2016; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005).

این پژوهش با رویکرد تحلیلی نظری و روش مطالعه موردی انجام شده است. شواهد و منابع مورد استفاده شامل گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، اسناد حقوقی بین‌المللی (کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، اساسنامه رم)، رویه‌های قضایی مرتبط و مستندات میدانی منتشر شده است. تحلیل بر دو محور اساسی استوار است: نخست، تبیین معیارهای حقوقی قابل اعمال برای تشخیص نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ دوم، تطبیق این معیارها با نمونه‌های مشخص از حملات گزارش شده در جریان مخاصمه (حملات به اماکن مسکونی، مراکز درمانی و تأسیسات هسته‌ای). نقش و اهمیت این مطالعه در دو حوزه خلاصه می‌شود: از منظر نظری، تلاش می‌کند پیوند میان قواعد عام حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مصادیق معاصر در عرصه درگیری‌های متداول میان دولت‌ها را روشن سازد؛ و از منظر عملی، با ارائه تحلیل دقیق از مصادیق نقض و پیامدهای حقوقی آنها، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های حقوقی و سیاست‌محور برای پیگیری حقوقی و حفاظت بهتر غیرنظامیان گردد. ساختار مقاله به این ترتیب است: بخش نخست به چارچوب نظری و معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد؛ بخش دوم مصادیق نقض را تحلیل می‌کند؛ بخش سوم پیامدهای حقوقی و مسئولیتی را بررسی می‌نماید و در پایان پیشنهاد‌های سیاستی و جمع‌بندی ارائه می‌شود.

علاوه بر اهمیت نظری موضوع در چارچوب حقوق بین الملل بشردوستانه، بررسی نقض قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه در جنگ دوازده روزه از منظر نظام حقوقی ایران واجد اهمیت عملی ویژه‌ای است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی حقوقی برای پیگیری مسئولیت بین المللی دولت‌ها، طراحی راهبردهای حقوقی در مراجع بین المللی، و تقویت مستندسازی نقض‌های حقوق بشردوستانه در سطح ملی فراهم آورد. از این حیث، پژوهش حاضر می‌کوشد پیوندی میان تحلیل حقوقی آکادمیک و نیازهای عملی نظام حقوقی ایران در مواجهه با مخاصمات معاصر برقرار سازد. نوآوری این پژوهش در ارائه یک چارچوب تحلیلی مرحله‌بندی شده برای ارزیابی نقض اصول تمایز، تناسب و احتیاط در مخاصمات بین‌الدولی معاصر است که قابلیت استفاده در تحقیقات قضایی و سیاست‌گذاری حقوقی را دارد.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در ادبیات حقوق بین الملل بشردوستانه به بررسی رعایت یا نقض اصول بنیادین این شاخه حقوقی در مخاصمات مسلحانه معاصر پرداخته‌اند. بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها بر تحلیل نظری اصول تمایز، تناسب و احتیاط و جایگاه آن‌ها در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متمرکز بوده‌اند. در این چارچوب، پژوهش‌هایی همچون آثار هنکارتس و دوسوالد-بک با تبیین عرفی بودن این اصول، نقش آن‌ها را به‌عنوان هنجارهای الزام‌آور در تمامی مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌الدولی و غیر بین‌الدولی، برجسته کرده‌اند. در سطح رویه قضایی نیز آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی سابق برای یوگسلاوی، به‌ویژه در پرونده‌هایی نظیر Galic و Kupreškić، معیارهای مهمی برای تشخیص حملات بی‌تمایز، نامتناسب و فقدان احتیاط ارائه داده‌اند.

در سطح مطالعات موضوعی، بخش مهمی از ادبیات موجود به بررسی نقض قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه در مخاصمات خاورمیانه اختصاص یافته است. پژوهش‌هایی درباره جنگ غزه، یمن و سوریه، به‌ویژه گزارش‌ها و تحلیل‌های نهادهایی چون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دیده‌بان حقوق بشر، نشان می‌دهند که استفاده گسترده از تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی و عدم رعایت تدابیر احتیاطی، از مهم‌ترین چالش‌های عملی اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه در این مخاصمات بوده است. در همین راستا، برخی مطالعات با تمرکز بر اصل تناسب، دشواری‌های عملی سنجش «مزیت نظامی ملموس و مستقیم» در برابر تلفات غیرنظامیان را برجسته کرده و بر نقش ارزیابی پیشینی فرماندهان نظامی در تعیین مشروعیت حملات تأکید کرده‌اند. با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً ناظر بر مخاصمات نامتقارن یا غیر بین‌الدولی بوده و کمتر به تحلیل مخاصمات بین‌الدولی معاصر با ویژگی‌های پیچیده فناورانه پرداخته‌اند.

در ادبیات فارسی نیز پژوهش‌های متعددی به تبیین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و بررسی نقض آن‌ها در درگیری‌های مسلحانه پرداخته‌اند. برخی نویسندگان با تمرکز بر اصل تمایز و ممنوعیت حملات بی‌تمایز، چالش‌های ناشی از استفاده از تسلیحات مدرن در مناطق شهری را تحلیل کرده‌اند. همچنین مطالعاتی در زمینه حمایت ویژه از تأسیسات حساس، از جمله مراکز درمانی و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، بر اساس مواد ۵۶ و ۵۷ پروتکل الحاقی اول، انجام شده است. با این حال، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها ماهیتی توصیفی داشته و کمتر به ارائه چارچوب‌های تحلیلی عملیاتی برای تطبیق معیارهای حقوقی بر مصادیق مشخص پرداخته‌اند. افزون بر این، در ادبیات فارسی، بررسی مستقل و نظام‌مند مخاصمه‌ای مستقیم میان ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه با تمرکز بر تحلیل موردی حملات و پیامدهای حقوقی آن‌ها، به‌ندرت مشاهده می‌شود.

براین اساس، خلأ قابل توجهی در ادبیات موجود قابل شناسایی است. برخلاف مطالعات پیشین که یا به تبیین نظری اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسنده کرده‌اند یا صرفاً به بررسی کلی مخاصمات دیگر پرداخته‌اند، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد مطالعه موردی، می‌کوشد معیارهای حقوقی احراز نقض اصول تمایز، تناسب و احتیاط را به‌صورت عملیاتی و مرحله‌بندی شده استخراج کرده و آن‌ها را بر نمونه‌های مشخصی از جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل تطبیق دهد. بدین ترتیب، این مقاله علاوه بر غنای تحلیلی، می‌کوشد پیوندی میان نظریه، رویه قضایی و واقعیت‌های میدانی برقرار کرده و ارزش افزوده‌ای کاربردی برای تحقیقات حقوقی و ارزیابی‌های قضایی آتی فراهم آورد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیلی نظری است و با رویکردی توصیفی - استنباطی به تحلیل چارچوب‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه دوازده‌روزه میان ایران و اسرائیل می‌پردازد. داده‌های پژوهش بر پایه سه دسته منبع گردآوری شده است: نخست، منابع حقوقی الزام‌آور شامل کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، اساسنامه رم ۱۹۹۸ و پیش نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (ILC, 2001)؛ دوم، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که حاوی مستندات میدانی و داده‌های فنی مرتبط با حملات گزارش شده هستند (OHCHR, 2025; IAEA, 2025; ICRC, 2016)؛ و سوم، رویه قضایی و آراء مراجع بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی که معیارهای تفسیر اصول تمایز، تناسب و احتیاط را تبیین کرده‌اند (ICJ, 1996; ICC, 2014).

روش تحلیل مبتنی بر تطبیق معیارهای حقوقی با شواهد مستند حملات انجام شده در جنگ دوازده‌روزه است و در آن تلاش شده پیامدهای حقوقی نقض احتمالی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز بر اساس چارچوب‌های مسئولیت بین‌المللی و مسئولیت کیفری افراد بررسی شود (Corten, 2020; Shaw, 2017). داده‌ها عمدتاً از منابع

کتابخانه‌ای، اسناد رسمی، گزارش‌های ماهواره‌ای منتشرشده و گزارش‌های حقوقی معتبر جمع‌آوری شده و در تحلیل آنها از روش مطالعه موردی با تمرکز بر حملات علیه مناطق مسکونی، مراکز درمانی و تأسیسات حساس غیرنظامی استفاده شده است. (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۴). محدودیت پژوهش نیز عمدتاً ناشی از عدم دسترسی به برخی داده‌های فنی و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده مربوط به جزئیات عملیات نظامی است که در تحلیل‌های حقوقی با روش‌های مقایسه‌ای و استناد به رویه‌های بین‌المللی جبران شده است.

انتخاب مصادیق مورد بررسی بر اساس سه معیار انجام شده است: (۱) شدت اثرگذاری بر جمعیت غیرنظامی؛ (۲) وجود گزارش‌های چندمنبعی معتبر بین‌المللی؛ و (۳) قابلیت تطبیق مستقیم با معیارهای حقوقی اصول تمایز، تناسب و احتیاط. این معیارها امکان تحلیل حقوقی منسجم و قابل دفاع را فراهم می‌سازد.

مبانی نظری و چارچوب حقوقی

این بخش چارچوب هنجاری و تعاریف کلیدی اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه (تمایز، تناسب، احتیاط) را خلاصه و به‌صورت مختصر نشان می‌دهد که هر یک از این اصول چگونه در رویه قضایی بین‌المللی تفسیر شده‌اند. هدف از این خلاصه فراهم‌سازی معیارهای روشن حقوقی است که در بخش تحلیل مصادیق برای ارزیابی مشروعیت عملیات نظامی به کار گرفته می‌شوند.

الف) کلیات و وضعیت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که در مخاصمات مسلحانه به منظور حفاظت از افراد غیرنظامی، مجروحان، اسیران و اموال غیرنظامی وضع شده و اصول و قواعد آن در متون معاهداتی از جمله کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ و عرف بین‌المللی جایگاه الزام‌آور دارد. سه اصل تمایز، تناسب و احتیاط در IHL نقش بنیادی دارند و معیارهای عملی و حقوقی ارزیابی مشروعیت حملات نظامی را فراهم می‌کنند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۹۵).

اصل تمایز (Distinction)

طبق پروتکل الحاقی اول، طرف‌های درگیر باید میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و نیز میان اهداف غیرنظامی و نظامی تمایز قائل شوند؛ حملات باید منحصرأ به اهداف نظامی مشروع معطوف گردد (ماده ۵۸ AP I). در صورتی که برای هدفی شواهد کافی از مزیت نظامی مستقیم وجود نداشته باشد، حمله به آن هدف در تعارض جدی با اصل تمایز است و می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد. (میرمحمدی، ۱۳۹۸)

اصل تناسب (Proportionality)

اصل تناسب ایجاب می‌کند که حتی در مواجهه با هدف نظامی مشروع، حمله ممنوع است اگر انتظار برود که تلفات یا خسارات وارده به غیرنظامیان «نامتناسب» یا «فوق العاده» بیش از مزیت نظامی مستقیم و قطعی مورد انتظار باشد (پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۱(ب)). (عظیمی شوشتری، ۱۴۰۰). این قاعده ماهیت ارزیابی آمیز دارد و نیازمند پیش بینی از پیامدهای حمله است؛ بار توجیه تناسب بر دوش طرف حمله کننده است. (طیب زاده و زین الدینی، ۱۴۰۲) دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود درباره سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) و دیگر رویه‌ها، تناسب را به‌عنوان یکی از قواعد عرفی الزام‌آور تصدیق کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری، (۱۹۹۶) قواعد ماده ۸ اساسنامه رم نیز در مورد جنایات جنگی حملات نامتناسب یا غیرتمایز را ذیل مصادیق قابل تعقیب قرار داده‌اند (Rome Statute, Art. 8).

اصل احتیاط (Precaution)

اصل احتیاط دولت‌ها و نیروهای مسلح را ملزم می‌سازد تا تمام تدابیر ممکن را برای کاهش خطر متوجه غیرنظامیان به کار برند. ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول فهرستی از تکالیف احتیاط پیش از حمله و در جریان حمله را مشخص می‌کند؛ از جمله جمع‌آوری اطلاعات کافی درباره ماهیت هدف، استفاده از روش‌ها و ابزارهایی که کمترین آسیب را به غیرنظامیان برساند، اعلام هشدار پیش از حمله هر جا که منطقی و ممکن است، و تعلیق یا لغو حمله در صورت آشکار شدن ریسک غیرقابل قبول برای غیرنظامیان (پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۷). رویه کیفری بین‌المللی نیز ناتوانی در اتخاذ احتیاطات معقول را گاهی به‌عنوان نقض مستقل حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد پیگرد قرار داده است. (باقرزاده و رنجبریان، ۱۳۹۴)

این سه اصل با هم کار می‌کنند: اصل تمایز مولد تعیین مشروعیت هدف است؛ تناسب حاکم بر سنجش پیامدهای حمله نسبت به مزیت نظامی است؛ و احتیاط ضمانت اجرای عملی را فراهم می‌آورد. آنها هم در منابع معاهداتی (پروتکل الحاقی اول و کنوانسیون‌های ژنو) و هم در عرف بین‌المللی، نقش الزام‌آور دارند و تفسیر عملی شان توسط مراجع قضایی و حقوقی تقویت شده است (ICRC, 2016; ICC case-law).

نقض این اصول می‌تواند پیامدهای دوگانه حقوقی داشته باشد: (۱) مسئولیت بین‌المللی دولت (انتساب فعل به دولت، احراز نقض تعهد بین‌المللی و رابطه سببیت با خسارت) که بر مبنای پیش‌نویس مواد ILC و رویه بین‌المللی تعیین می‌شود (ILC, Draft Articles, 2001)؛ و (۲) مسئولیت کیفری افراد، از جمله مسئولیت فرماندهی (command responsibility) که در اساسنامه رم و رویه ICC تعیین قواعد شده است (Rome Statute, Art. 28). برای تحقق مسئولیت کیفری لازم است عناصر مادی و روانی هر جرم بین‌المللی احراز شود و برای مسئولیت فرماندهی نیز عناصر شناخت و قصور در اتخاذ یا اجرای تدابیر پیشگیرانه باید ثابت گردد (Rome Statute; ICC case-law).

تحلیل مصادیق نقض حقوق بین الملل بشردوستانه باید مبتنی بر شواهد چندمنبعی باشد: تصاویر ماهواره‌ای زمان‌مند، گزارش‌های پزشکی قانونی، شهادت شهود، آثار میدانی و اسناد فنی در خصوص ماهیت و هدف گیری، و نیز مستندات وزارت دفاع یا منابع رسمی طرف مقابل در صورت امکان. این شواهد باید با استانداردهای پذیرش در محاکم بین‌المللی و نهادهای تحقیقاتی هماهنگ گردند تا معیارهای «دلایل موجه» برای تحقیقات یا «ثبوت فراتر از هر شک معقول» برای محکومیت تأمین شود (OHCHR/ICC guidance; ICRC standards).

ب) پیامدهای حقوقی نقض قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه در جنگ دوازده‌روزه

نقض اصول بنیادین حقوق بین الملل بشردوستانه می‌تواند پیامدهای حقوقی قابل توجهی در دو سطح مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی به همراه داشته باشد. در سطح دولت، تحقق مسئولیت بین‌المللی مستلزم احراز سه عنصر اساسی است: (۱) انتساب رفتار متخلف به دولت، به‌ویژه از طریق نیروهای مسلح؛ (۲) نقض تعهدات ناشی از قواعد الزام‌آور حقوق بین الملل بشردوستانه؛ و (۳) وجود رابطه سببیت میان عمل متخلف و خسارات وارده به غیرنظامیان. در مواردی که هدف حمله ماهیت غیرنظامی داشته و مزیت نظامی ملموس و مستقیم اثبات نشود، تحقق این عناصر محتمل بوده و مسئولیت دولت قابل طرح خواهد بود.

در خصوص حمله به اهدافی با کاربری اثبات شده غیرنظامی، فقدان هرگونه توجیه مبتنی بر ضرورت نظامی می‌تواند نقض اصل تمایز و در نتیجه نقض تعهدات بین‌المللی دولت را محقق سازد. همچنین، در موارد حمله به تأسیسات هسته‌ای، حتی با فرض وجود هدف نظامی، خطر بالقوه و گسترده پیامدهای غیرنظامی می‌تواند ارزیابی تناسب را به طور تعیین‌کننده‌ای منفی کند. در چنین شرایطی، احتمال تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت افزایش می‌یابد، مشروط بر آنکه شواهد دقیق درباره ماهیت هدف و مزیت نظامی ادعا شده ارائه شود.

در سطح فردی، مسئولیت کیفری رزمندگان، فرماندهان و سایر عاملان اجرا منوط به احراز عناصر مادی و روانی جرم است. حملات بدون تمایز یا نامتناسب، در صورتی که آگاهی مرتکب از ماهیت غیرنظامی هدف یا بی‌توجهی فاحش وی به این امر اثبات شود، می‌توانند مصداق جنایت جنگی تلقی گردند. همچنین، حمله به افراد غیرنظامی فاقد مشارکت مستقیم در مخاصمه، در صورت فقدان دلایل معتبر خلاف آن، می‌تواند عناصر مادی قتل عمد غیرنظامیان را محقق سازد (Rome Statute, 1998, art. 8). اثبات عنصر روانی در این موارد معمولاً نیازمند بررسی الگوهای تکرارشونده حمله، انتخاب وسایل و روش‌های جنگی و اسناد عملیاتی است.

در سطح فردی، مسئولیت کیفری رزمندگان، فرماندهان و سایر عاملان اجرا منوط به احراز عناصر مادی و روانی جرم است. حملات بدون تمایز یا نامتناسب، در صورتی که آگاهی مرتکب از ماهیت غیرنظامی هدف یا بی‌توجهی فاحش وی به این امر اثبات شود، می‌توانند مصداق جنایت جنگی تلقی گردند. همچنین، حمله به افراد غیرنظامی

فاقد مشارکت مستقیم در مخاصمه، در صورت فقدان دلایل معتبر خلاف آن، می‌تواند عناصر مادی قتل عمد غیرنظامیان را محقق سازد (Rome Statute, 1998, art. 8). اثبات عنصر روانی در این موارد معمولاً نیازمند بررسی الگوهای تکرارشونده حمله، انتخاب وسایل و روش‌های جنگی و اسناد عملیاتی است.

مسئولیت فرماندهی زمانی محقق می‌شود که سه شرط اساسی جمع باشد: وجود رابطه فرماندهی مؤثر، علم یا «باید علم می‌داشت» نسبت به وقوع نقض، و قصور در اتخاذ اقدامات معقول برای جلوگیری یا مجازات. تکرار حملات در چارچوب عملیات سازمان‌یافته می‌تواند به احراز این عناصر کمک کند، هرچند اثبات نهایی مسئولیت کیفری مستلزم دسترسی به اسناد درون‌سازمانی، دستورات عملیاتی و شهادت‌های معتبر است.

در نهایت، موفقیت هر یک از مسیرهای پیگیری حقوقی به کیفیت مستندسازی و شواهد وابسته است. چالش‌هایی مانند حفظ زنجیره نگهداری شواهد، دسترسی ایمن به مناطق درگیری، همکاری یا عدم همکاری دولت مقابل، و امکان تطبیق فنی نوع تسلیحات با الگوی حمله، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد دعاوی دارند. از این رو، هرچند در بسیاری از مصادیق مورد بررسی، شواهد مقدماتی برای طرح ادعاهای حقوقی فراهم به نظر می‌رسد، دستیابی به نتایج الزام‌آور قضایی مستلزم تکمیل مستندسازی با داده‌های فنی و اسناد معتبر تکمیلی خواهد بود.

ج) یافته‌ها و بحث

در این بخش، یافته‌های پژوهش در پرتو معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحلیل می‌شود. لازم به تأکید است که تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش ماهیتی آکادمیک و ارزیابانه دارد و به معنای احراز قطعی مسئولیت کیفری یا صدور حکم قضایی نیست، بلکه بر مبنای شواهد در دسترس، قابلیت طرح ادعاهای حقوقی را بررسی می‌کند.

۱- نقض اصل تمایز در حملات علیه مناطق مسکونی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف الزام صریح اصل تمایز مبنی بر تفکیک روشن میان اهداف نظامی و غیرنظامی (Protocol I, 1977, Art. 48)، بخش قابل توجهی از حملات هوایی اسرائیل در جنگ دوازده‌روزه علیه مناطق با کاربری صددرصد غیرنظامی انجام شده است. گزارش دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر (OHCHR, 2025) و داده‌های ماهواره‌ای مستقل، تخریب واحدهای مسکونی در شهرهای تهران، اصفهان و شیراز را در مناطقی نشان می‌دهد که فاقد هرگونه تاسیسات یا تجمع نظامی بوده‌اند. رویه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارد که حملات فاقد امکان تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، «حمله غیرتمایز» به شمار آمده و قابلیت طبقه‌بندی به‌عنوان جنایت جنگی دارند (ICC, 2014). در این چارچوب، حملات صورت گرفته علیه مناطق کاملاً مسکونی، واجد ظرفیت احراز نقض اصل تمایز تلقی می‌شود.

۲- نقض اصل تناسب در حملات با تلفات گسترده غیرنظامیان

اصل تناسب ایجاب می‌کند تلفات غیرنظامیان نباید بیش از مزیت نظامی مستقیم و قطعی مورد انتظار باشد (Protocol I, Art. 51(5)(b)). بررسی پرونده های ثبت شده در بیمارستان ها و گزارش های پزشکی قانونی نشان می‌دهد که در برخی حملات، تعداد بالای تلفات غیرنظامی بدون ارائه هیچ شواهدی دال بر وجود هدف نظامی نزدیک بوده است (OHCHR, 2025). نمونه بارز آن حمله به منطقه شمال شرقی تهران است که براساس گزارش FIDH (2025)، منجر به کشته شدن ۲۷ غیرنظامی شد، درحالی که هیچ هدف نظامی شناسایی شده ای در شعاع حمله وجود نداشت. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تناسب را قاعده‌ای عرفی و الزام‌آور می‌داند که حتی در شرایط ضرورت نیز قابل نادیده گرفتن نیست (ICJ, 1996). با توجه به فقدان مزیت نظامی ثابت شده در موارد بررسی شده، حملات مذکور ناقض اصل تناسب محسوب می‌شوند.

۳- عدم رعایت اصل احتیاط در انتخاب اهداف و ابزار حمله

بر اساس ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، طرف مخاصمه موظف است پیش از حمله، تمامی تدابیر احتیاطی ممکن را برای کاستن از تلفات غیرنظامیان اتخاذ کند. در حملات صورت گرفته، نبود هشدار قبلی، عدم تخلیه مناطق پرجمعیت و استفاده از تسلیحات با قدرت تخریب گسترده در نزدیکی مراکز مسکونی، بیانگر نقض این اصل است (ICRC, 2016). دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده Galić تأکید کرده است که «عدم اتخاذ احتیاط لازم» حتی در صورت مشروعیت اولیه هدف، می‌تواند نقض مستقل حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد (ICTY, Prosecutor v. Galić, 2003). بررسی الگوی حملات اسرائیل نشان می‌دهد که در موارد متعدد، امکان کاهش خسارات غیرنظامی وجود داشته؛ اما عملاً استفاده نشده است؛ از جمله حملات بدون هشدار در اصفهان و کرج (OHCHR, 2025).

۴- حمله به مراکز درمانی و امدادی

مرکزیت و اهمیت حمایت ویژه از تأسیسات درمانی در ماده ۱۲ کنوانسیون اول ژنو تصریح شده است. در جنگ دوازده روزه دو بیمارستان صحرایی و چند مرکز امدادی دچار تخریب جزئی یا کلی شدند (FIDH, 2025). هیچ سندی استفاده نظامی از این مراکز را تأیید نمی‌کند. بر اساس ماده ۸(۲) (ب) (ix) اساسنامه رم، حمله به بیمارستان‌ها حتی بدون تلفات انسانی نیز می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد (ICC, 1998). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که حملات مذکور فاقد هرگونه ضرورت نظامی بوده و می‌تواند مغایر با حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

۵- حمله به زندان اوین

حمله به تأسیسات کیفری که در آن متهمان یا زندانیان غیرنظامی متمرکز هستند، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه تابع قاعده حفاظت ویژه است. افراد بازداشتی به‌عنوان افراد تحت حفاظت کامل قلمداد می‌شوند و هرگونه عملیات نظامی که به‌صورت مستقیم متوجه چنین مکان‌هایی شود نیازمند بررسی دقیق تمایز، احتیاط و تناسب است.

در حمله‌ای که گزارش‌ها آن را به بمباران/حمله مستقیم به زندان اوین منسوب کرده‌اند، دو پرسش حقوقی کلیدی مطرح می‌شود: (۱) آیا هدف نظامی مشروعی وجود داشته که آن را موجه سازد؟ و (۲) آیا اقدامات احتیاطی لازم (هشدار، تلاش برای کاهش تلفات غیرنظامیان، انتخاب وسایل و روش‌های کم‌خطر) اتخاذ شده‌اند یا خیر؟ در صورت فقدان هدف نظامی اثبات شده یا عدم اتخاذ احتیاط‌های معقول، عمل می‌تواند مصداق نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حتی جنایت جنگی قلمداد شود و مستلزم رسیدگی و تحقیق بین‌المللی مستقل است.

۶- حمله به تأسیسات هسته‌ای و نقض ممنوعیت حمله به «اشیا خطرناک»

حمله به مراکز هسته‌ای نظیر و فردو یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این مخاصمه است. مطابق ماده ۵۶ پروتکل اول، حمله به «تأسیسات حاوی ماده خطرناک» به دلیل احتمال بروز آسیب گسترده و طولانی مدت به جمعیت غیرنظامی ممنوع است (Protocol I, Art. 56). آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده است که حملات مذکور خطر نشت مواد رادیواکتیو داشته است (IAEA, 2025). رویه بین‌المللی در پرونده‌هایی مانند Gabcíkovo-Nagymaros نشان می‌دهد که دولت‌ها موظف‌اند از اقدامات دارای احتمال خطر گسترده خودداری کنند (ICJ, 1997). حمله به چنین تأسیساتی حتی با فرض وجود هدف نظامی، معمولاً نامتناسب و در صورت احراز شرایط، می‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب گردد.

استناد به رأی Gabcíkovo صرفاً از حیث اصل احتیاط و منع اقدامات دارای خطر گسترده و غیرقابل کنترل صورت می‌گیرد، نه به‌عنوان رویه‌ای ناظر بر حملات نظامی.

۷- ترور دانشمندان غیرنظامی و نقض حمایت از افراد فاقد مشارکت مستقیم

قتل هدفمند دانشمندان و کارکنان غیرنظامی صنعت دفاعی و انرژی، در غیاب هرگونه «مشارکت مستقیم در مخاصمه» نقض ماده ۵۱ (۳) پروتکل الحاقی اول است. گزارش Associated Press (2025) شواهدی از حمله به محل اقامت این افراد ارائه می‌دهد. طبق اساسنامه رم، چنین اقداماتی می‌تواند ذیل حمله عمدی به اشخاص غیرنظامی و جنایت جنگی قرار گیرد (ICC, 1998). یافته‌ها نشان می‌دهد که هیچ سندی مبنی بر مشارکت مستقیم این افراد در عملیات نظامی وجود نداشته است.

(د) استدلال‌های محتمل طرف مقابل

البته باید توجه داشت که در ارزیابی مشروعیت حملات نظامی، امکان طرح برخی استدلال‌های دفاعی از سوی طرف حمله‌کننده نیز وجود دارد؛ از جمله ادعای وجود اهداف با کاربری دوگانه، ضرورت نظامی فوری، یا خطای اطلاعاتی در شناسایی هدف. با این حال، مطابق رویه قضایی بین‌المللی، صرف ادعای این موارد برای رفع مسئولیت کافی نیست و طرف حمله‌کننده مکلف است نشان دهد که ارزیابی تناسب و اتخاذ تدابیر احتیاطی به‌صورت معقول

و مبتنی بر اطلاعات در دسترس در زمان حمله انجام شده است. در غیاب چنین شواهدی، این دفاعیات نمی‌توانند به طور خودکار مانع از احراز نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه شوند.

۵) پیشنهادهای سیاستی و حقوقی

باتوجه به تحلیل‌های انجام شده، پیشنهادهای زیر برای پیگیری حقوقی و تقویت سازوکارهای حمایت از غیرنظامیان ارائه می‌شود. پیشنهادهای زیر بر اساس میزان امکان‌پذیری حقوقی و سیاسی، به ترتیب اولویت ارائه شده‌اند.

۱- تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب بین‌المللی

ایران می‌تواند از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل، درخواست ایجاد کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل برای ثبت شواهد، مستندسازی حملات و تحلیل کارشناسی نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه را مطرح کند. این کمیسیون می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیگیری قضایی بعدی و جلوگیری از نابودی شواهد ایفا کند.

۲- استفاده از ظرفیت دیوان بین‌المللی دادگستری

ایران می‌تواند نقض تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قالب دعوای بین‌الدولی در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کند. حتی اگر صلاحیت مستقیم وجود نداشته باشد، امکان درخواست رأی مشورتی از مجمع عمومی در خصوص مسئولیت دولت‌ها نسبت به حملات علیه جمعیت غیرنظامی وجود دارد.

۳- پیگیری مسئولیت کیفری از طریق ICC و سازوکارهای ملی

اگرچه اسرائیل عضو اساسنامه رم نیست، اما ایران می‌تواند مستندات دقیق حملات را به دفتر دادستان ICC ارائه دهد، یا با همکاری یک دولت عضو، پرونده را از طریق «ارجاع دولتی» مطرح کند. همچنین این امکان وجود دارد مسیر پیگیری در دادگاه‌های ملی با صلاحیت جهانی (universal jurisdiction) را در کشورهای دارای چنین قوانین دنبال کند.

۴- تقویت مستندسازی و جمع‌آوری ادله

برای هرگونه پیگیری حقوقی، لازم است: عکس‌ها، فیلم‌ها، تصاویر ماهواره‌ای، گزارش‌های پزشکی، شهادت‌نامه‌ها، وضعیت میدانی محل‌های حمله، شواهد فنی و تسلیحاتی را به‌صورت دقیق جمع‌آوری، ثبت و در مخزن دیجیتال امن نگهداری شود. این مستندسازی باید با استانداردهای ICC و OHCHR سازگار باشد.

۵- استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه

ایران می‌تواند از طریق سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷، حمایت سیاسی و حقوقی گسترده‌تری را برای پیگیری نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه جلب کند. تجربه مداخلات قبلی نشان داده است که پیگیری چندجانبه، اثرگذاری بیشتری نسبت به پیگیری صرفاً دوجانبه دارد.

۶- ایجاد چارچوب همکاری با نهادهای بین‌المللی بشردوستانه

همکاری مستمر با ICRC، یونیسف و نهادهای امدادی جهانی می‌تواند هم در مستندسازی دقیق و هم در حمایت از قربانیان نقش مهمی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل بیانگر نبرد گسترده‌ای بود که فراتر از درگیری نظامی معمول، با رقابت بر سر روایت‌ها، هویت‌ها و مشروعیت نیز عجین شده بود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بخشی از حملات مورد بررسی، باتوجه به شواهد موجود، با معیارهای ضرورت نظامی و الزامات تمایز، تناسب و احتیاط همخوانی نداشته‌اند. این نتایج ضرورت پیگیری مسئولیت‌های ناشی از تخلفات حقوق بشردوستانه را برجسته می‌کند؛ چرا که پیگیری این موارد نه تنها برای تحقق عدالت نسبت به قربانیان غیرنظامی اهمیت دارد، بلکه از تکرار چنین نقض‌هایی در آینده جلوگیری می‌کند. در نهایت، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کارآمدی مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات معاصر نه تنها به تدوین هنجارهای حقوقی محدود می‌شود، بلکه به مستندسازی دقیق، ارزیابی حقوقی مستقل و فعال‌سازی سازوکارهای پاسخ‌گویی بین‌المللی نیز وابسته است. این تحلیل می‌تواند جهت‌گیری پژوهش‌ها و اقدامات آتی در جهت تقویت حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه را روشن سازد.

منابع

۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. (۱۳۹۵). راهنمای تفسیر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه. ژنو: انتشارات ICRC.
۲. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. (بی تا). مجموعه اسناد، ترجمه ها و راهنماهای فارسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه. بازایی شده از <https://ir.icrc.org>
۳. میرمحمدی، مصطفی. (۱۳۹۸). حمایت از افراد در حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: نشر دانشگاهی.
۴. ممتاز، جمشید، و رنجبریان، امیرحسین. (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مباحثات مسلحانه داخلی. تهران: انتشارات میزان.
۵. عظیمی شوشتری، محمد. (۱۴۰۰). «ماهیت و شرایط اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه». فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۲(۳)، ۷۸-۴۵.
۶. طیب زاده، نرگس، و زین الدینی، مهدی. (۱۴۰۲). «بررسی اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در حملات ۲۰۲۳ اسرائیل به غزه». پژوهش‌های بنیادین در حقوق، ۹(۲)، ۱۱۳-۱۴۲.
۷. قلندری شمایی، طاهر، و سبحانی، مهین. (۱۴۰۴). «سپر انسانی و چالش‌های پیش رو با نگاهی به اصل تناسب». فصلنامه حقوق بین‌الملل، ۴۱(۱)، ۶۷-۹۸.
۸. باقرزاده، رضا، و رنجبریان، امیرحسین. (۱۳۹۴). «بنیان اجرای حقوق بشردوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت». IHL پژوهش حقوق عمومی، ۱۶(۱)، ۲۵-۵۴.
۹. کمیسیون حقوق بین‌الملل. (۲۰۰۱). پیش نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی و تفسیرات آن. ژنو: سازمان ملل متحد.
۱۰. دیوان بین‌المللی دادگستری. (۱۹۸۶). پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا ICJ Reports.
۱۱. دیوان بین‌المللی دادگستری. (۲۰۰۴). نظر مشورتی درباره آثار حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ICJ Reports.
۱۲. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. (۲۰۲۵). گزارش درباره وضعیت تأسیسات هسته‌ای ایران پس از حملات ۲۰۲۵. وین: IAEA.
۱۳. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد. (۲۰۲۵). گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران در جریان جنگ دوازده‌روزه. ژنو: OHCHR.
۱۴. رشیدی، نرگس، و جمعی از کارشناسان حقوق بشردوستانه. (۱۴۰۴). «تحلیل حقوقی حمله اسرائیل به ایران: پاسخ به چند پرسش». انجمن مطالعات سازمان ملل متحد ایران.

References

1. Henckaerts, J., & Doswald-Beck, L. (2005). Customary international humanitarian law: Volume I: Rules. Cambridge: Cambridge University Press.
2. International Committee of the Red Cross. (2016). Customary international humanitarian law database. Geneva: ICRC.

3. International Criminal Court. (1998). Rome Statute of the International Criminal Court. United Nations Treaty Series, 2187.
4. International Criminal Court. (2014). Prosecutor v. Germain Katanga (Judgment). The Hague: ICC.
5. International Court of Justice. (1996). Legality of the threat or use of nuclear weapons (Advisory Opinion). ICJ Reports.
6. International Law Commission. (2001). Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, with commentaries. Yearbook of the ILC, Vol. II(2).
7. Corten, O. (2020). The law against war: The prohibition on the use of force in contemporary international law (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
8. Gray, C. (2018). International law and the use of force (4th ed.). Oxford: Oxford University Press.
9. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2025, June 20). UN experts condemn Israeli attack on Iran and urge end to hostilities. Geneva: OHCHR.
10. Human Rights Watch. (2025, August 14). Iran: Israeli attack on Evin prison an apparent war crime. New York: HRW.
11. Human Rights Watch. (2025, September 4). Iran: Missile strikes on Israeli civilians likely war crimes. New York: HRW.
12. Reuters, Associated Press, & ReliefWeb. (2025). Reports on strikes against Iranian nuclear sites (Natanz and Fordow).